



او فردی متنفذ مقبول و دارای جایگاه ویژه در میان قشرهای مختلف نه تنها ایران بلکه منطقه بود

کشور، ایشان یک همگرایی عجیب بین طوایف ایجاد کرد و با ارتباط گیری با سران و نیروهای محلی عملاً یک امنیت درون را ایجاد کرد؛ در دوران فرماندهی نیروی قدس هم همین طور بود و می دیدیم که اتکای ایشان برای مقاومت صرفاً به نیروی نظامی نیست و یک نگاه اجتماعی هم به مسائل و صحنه تحولات دارد. این ویژگی را در کمتر شخصیت نظامی می توان سراغ داشت. یعنی هر جا ورود می کرد آن شخصیت اجتماعی و فرهنگی او بیش از جنبه های نظامی اش نمود و حتی کارکرد داشت. پیرو همین ویژگی هم او فردی متنفذ، مقبول و دارای جایگاه ویژه در میان قشرهای مختلف نه تنها ایران، بلکه منطقه بود، یعنی همگان به او علاقه داشتند و آدمی بود که می توانست اختلاف را حل کند و وفاق بیافریند. کما اینکه در مأموریتی که منجر به شهادت ایشان شد هم به دنبال همین امر بود. این وفاق یک جایی در سطح سیاسی بود یک جایی در بین گروه های اجتماعی. بنابراین شهید سلیمانی یک فرد مرجع در منطقه بود. نکته بعدی شناخت ایشان از مسائل استراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه بود که واقعاً به تعداد انگشتان دست هم نظیر آن در منطقه نبود. همین طور شناخت و ارتباط نزدیک و بی نظیری که با شخصیت های مختلف داشت خیلی مهم بود. اینها همه ویژگی هایی بود که آن شهید داشت و باعث می شد تا آمریکا به این نتیجه برسد که از میان برداشتن او به نفعش هست؛ به نظر هم می رسد دنبال جبران شکست های مقتضحانه خودشان هم بودند.

مضافاً اینکه به نظر می رسید آمریکا می خواست با این ترور، جمهوری اسلامی ایران را وادار به یک واکنش حساب نشده بکند و از این رهگذر یک شرارت گسترده ای را آغاز بکند که جمهوری اسلامی ایران در این دام نیفتاد و با تدابیر سنجیده و هوشمندانه رهبر معظم انقلاب این توطئه به جایی نرسید، یعنی نه تنها شهادت حاج قاسم آنها را به این اهداف نرساند بلکه یک موج عظیم از پشتیبانی اجتماعی در تمام جهان اسلام به نفع جبهه مقاومت ایجاد کرد.

شهادت حاج قاسم سلیمانی و اثرات آن به نظر شما چه پیامدهایی داشته؟ به عبارتی اکنون بازتاب فقدان این سردار سلیمانی و آن شهادت را در تحولات جاری چگونه می توان ارزیابی کرد؟

نبودن حاج قاسم سلیمانی بین ما یک ضایعه بزرگ است، اما من معتقدم که شهادت، ایشان را همان طور که از ما گرفت به نحو دیگری هم به ما برگرداند. شهید سلیمانی در زمان حیات پر برکتی که داشت و خصوصاً در سال های فرماندهی نیروی قدس، فردی شناخته شده و مورد توجه بود، اما این شناخت کامل نبود، این شناخت با شهادت ایشان از شخصیت، تأثیر و سبک کار وی رو به کامل شدن گذاشت. شهادت واقعاً حق حاج قاسم بود و هیچ مرگی جز این شایسته این مرد بزرگ نبود؛ اما این شهادت خون تازه ای در رگ جریان مقاومت شد و به نظر من ثمرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عظیمی داشت که هنوز باید زمان بگذرد تا خود را نشان دهد؛ از آن طرف هم پرده از چهره واقعی نظام سلطه برداشت و یک سری واقعیت ها را آشکار کرد. شهادت در پی جهاد آگاهانه در طول تمام تاریخ از بنیان های اصلی تقویت اسلام و جبهه حق بوده است؛ از شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جریان عاشورا بگیرد تا همین الان. من معتقدم در دوران معاصر واقعاً کمتر شهادتی را می توان مانند شهادت حاج قاسم سلیمانی یافت که این طور آگاهی بخش و جریان آفرین باشد؛ شک نیست که این شهادت آغازگر تحولاتی در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی است که اثرات آن بعدها خود را نشان خواهد داد.

که ترور او توسط امریکایی ها قطعاً نمی تواند فقط یک دلیل داشته باشد؛ به همان شکلی که شخصیت این شهید بزرگوار چند وجهی و دارای ابعاد و کارکردهای مختلفی بود، دلایل امریکا و ترامپ هم برای ترور او قطعاً چندگانه است. یک مسأله، نقش برجسته ایشان در منطقه بود؛ از نظر فکر و ایده و توانمندی نظامی و طراحی اگر نه بی نظیر، ولی حتماً کم نظیر بود و یک ستون برای نیروهای مقاومت از این حیث محسوب می شد؛ از همان دوران جنگ تحمیلی فرماندهی، توان و ذکاوت سردار سلیمانی و به تبع ایشان لشکر ثارالله زبانزد بود تا همین اواخر که فرماندهی نیروی قدس را بر عهده داشتند؛ در فاصله بین دفاع مقدس تا فرماندهی نیروی قدس هم که حضور ایشان در جنوب شرق کشور و موفقیت کم نظیر در کنترل اشرار و قاچاقچیان آن منطقه، یکی دیگر از صحنه های تجلی توانمندی ایشان بود. این مربوط به مقطعی بود که ناامنی اشرار به داخل شهرها رسیده بود و ایشان بود که این وضعیت را کنترل کرد. بنابراین مسأله نقش و توانمندی نظامی ایشان یکی از مسائل است، اما مسأله دیگر شناخت کم نظیر ایشان از مسائل اجتماعی و سیاسی و توانمندی او در ایجاد همگرایی های اجتماعی و فرهنگی بود. این را شهید سلیمانی همواره در طول برهه های مختلف بخوبی نشان داده بود که چقدر در این زمینه دارای دید باز و درستی است؛ در همان دوران مبارزه با اشرار مسلح جنوب شرق

دارای نظرات قابل تأملی بودند اما این توانایی خود را به پای منافع ملی و اتحاد ملی ریختند نه مسائل جناحی. این ویژگی رفتاری شهید سلیمانی حاصل این بود که در کنار داشتن بینش و تحلیل و دیدگاه عمیق سیاسی، شناختی کامل و دقیق و منطبق با منافع ملی از لباس و جایگاه سربازی داشت. همین هم هست که همه گروه های سیاسی همواره ایشان را از خودشان و محرم خودشان می دانستند. ایشان به طور مستمر با موضع بی طرفی اما با جهت گیری انقلابی عمل می کرد و شور و احساسات سیاسی هم بر او تأثیر نداشت. به همین دلیل هم در هیچ کدام از بی مهری هایی که به شخصیت های انقلاب مانند آیت الله هاشمی رفسنجانی شد نه تنها از سردار سلیمانی کوچکترین نشانه همراهی نمی بینید، بلکه شاهد هستیم در اوج آن بی مهری ها هم، نظر آن شهید نسبت به این شخصیت ها عوض نمی شد و تحت تأثیر جوسازی ها قرار نمی گرفت. کما اینکه شاهد بودیم که مثلاً تا آخر ارتباط صمیمانه و نزدیک خود را در تمام برهه ها با آیت الله هاشمی رفسنجانی داشتند و با بسیاری از شخصیت های دیگر هم کم و بیش به همین شکل بودند.

به نظر شما چرا ایشان برای ترور توسط امریکا انتخاب می شود؟ به عبارتی شما زمینه عملیات ترور ایشان در دستگاه تصمیم گیری کاخ سفید را چه می دانید؟
ببینید حاج قاسم سلیمانی یک شخصیت برجسته بود